

«به نام یکتاخدای درخشنده ترین»

«سُغْنِ سَرْدِ بَیْرِ»

(سال یکم - شماره یکم)

دوستانِ نازنینم؛

نوجوانان و جوانانِ گرانِ قدرِ ایرانِ و رجاوندمان:^۱

درود بر همه‌ی شما... درودی از برای این جشن!

جشنِ سرآغازِ نشریه‌ی ویسپویش که قرار است تا مدت‌ها - همان قدر و اندازه، که شما خواهان آن باشید - با شما بماند؛ با نگاه شما و در قلب‌ها و اندیشه‌های شما. هر کس، پَتَشِ خُو آر گَر را خوانده باشد، این درختِ بی‌نظیر را می‌شناسد! اما برای آنها که هنوز نخوانده‌اند و نمی‌دانند، باید بگوییم که او درختی‌ست باشکوه و خارق‌العاده؛ مادرِ درخت‌های زمین و کهن‌سال‌ترین موجودِ زنده بر سیاره‌ی ما که در اسطوره‌های ایرانی، وصفی بس زیبا و خیال‌انگیز دارد.

^۱ و رجاوند: آرجمند، دارنده‌ی خرّه ایزدی

^۲ پَتَشِ فُو آر گَر (پنج جلدی) - رمانی بر پایه‌ی داستان‌های اوستا و بُن‌دهش - نشر افق (۱۳۸۸ - ۱۴۰۰)

معنای نام ویسپویش در اوستا، «پزشک یا درمان‌بخش همگان» است و او را به نام‌های گوکرن، بس تخمه، هزار تخمه، هوم سپید و درخت سیمرغ نیز خوانده‌اند و در فرهنگ‌های دیگر، سدره-المتنه، درخت زندگی، طوبی و...

ویسپویش درختی است اساطیری در میانه‌ی دریای پهناور فراخ‌گرت که عظیم‌ترین دریای جهان و پیوسته با ایران است. به گمانم بشود آن را معادل دریای مازندران یا کاسپین گرفت که همچنان نیز بزرگ‌ترین دریاچه‌ی دنیا خوانده می‌شود.

ویسپویش که خود، بزرگ‌پیکرترین و تناورترین درخت عالم است در مرکز امواج خروشان چنین دریایی، پای در کف دریا فرو برده و تنه از میان آن برکشیده و سر بر آسمان و ابرها می‌ساید! بسان جزیره‌ای اسرارآمیز که ژرفای زمین را به سطح دریا، و دریا را به بلندای سپهر متصل می‌سازد. تمامی گیاهان و دانه‌ها و هاگ‌ها و میوه‌ها و سبزی‌ها از او برآمده و به یاری سیمرغ و دیگر مرغان و امواج دریا و باد و باران، در سرتاسر جهان منتشر شده‌اند...

این است که ما هم دل‌مان می‌خواهد نشریه‌مان شبیه او باشد! می‌خواهیم مادری شویم برای انبوهی از دانسته‌های خوب و اندیشه‌های نیک؛ برای بسی خیال‌های سازنده و باورهای نیرومند. آنگاه می‌خواهیم بسان ویسپویش، آنها را از برای همه‌ی ایرانیان در جهان منتشر کنیم؛ برای قومی که این روزها در هرسوی زمین پراکنده شده و دور از مام میهن، در شرایطی غریب و گونه‌گون، روزگار بسر می‌برد.

البته شرایط ما مردم ایران که اینک گویی بر لبه‌ی تیغ ایستاده‌ایم، می‌تواند دو سویه باشد؛ خوب و مفید و سازنده یا تباه و از بین‌برنده و تاریک. صد البته اگر ایرانیان در اقصا نقاط عالم، نیکویی‌های ملل را بیاموزند و با آنها به شادی و آزادی و سازندگی درآمیزند و درعین حال، مادرشان ایران را نیز از یاد نبرند، چه از این بهتر؟

که آفریدگار هستی نیز پیش‌ترها فرموده بود: «آیا زمینم، آنقدرها پهناور نیست که بر آن مهاجرت کنید؟» بلکه «زمین من فراخ است!» پس زیر ستم و بداندیشی نمانید!

براستی در شرایط کنونی که میلیون‌ها ایرانی در صدها کشور جهان پراکنده‌اند چه می‌توان کرد که هم، مثل شیر و شکر با کشورها و مردمان تازه‌آشنا بجوشند و صادقانه بر آبادی زمین کوشند؛ و هم زادگاه خود و مادران و پدران خویش را از یاد نبرند؟ زبان نازنین پارسی و گویش‌های

محلی ایران را فراموش نکنند و از گنج‌های آن سرزمین و زبان و فرهنگش نصیب برآند و رسانند؟

البته به افسوس باید گفت که چه بسا، بچه‌های داخل مرزهای جغرافیایی ایران، عموماً از گنجینه‌های فرهنگ بومی‌شان محروم‌تر و بی‌نصیب‌ترند و در فشارتر، خسته‌تر و حتی آرزومندتر برای مهاجرت به سرزمین‌های دورتر! راستی که وضع دوگانه‌ی غریبی است؛ چه در وطن خویش غریب بودن و چه در سرزمین‌های دور و نزدیک، حس غُربت را چشیدن!

این نشریه‌ی کاملاً مستقل و برآمده از عشق به ایران و فرزندان‌ش، برای نشانه رفتن بسوی همین دست از مسائل، بنیان نهاده شده تا ضمن ایجاد زیبایی و گیرایی برای نسل نوین – که امیدواریم توفیق حق و تأیید شمایان را از همین امروز با خود داشته باشیم – بر نمایاندن جواهرات فرهنگ ایرانی مؤثر افتد؛ آن فرهنگ گرانبها را پاس بدارد و در حدّ خود بشناساند.

چیزی که این روزها شوربختانه، از آن غفلت شده و ایران ما از هر جهت در جایگاهی قرار گرفته که سزاوار آن نیست. دلایل سیاسی، مذهبی، اقتصادی و اجتماعی بسیار دارد که چرا در این چند دهه، ایران مظلوم این‌گونه ستم دیده، از درونش موریانه زده و از بیرون، از اعتبار حَقّه‌اش بر افتاده است.

عُمری باشد، در این نشریه به همین افراط‌ها و تفریط‌ها پرداخته خواهد شد. عُمری باشد، هزار رنگ و نور از این دریچه، بر قلب و جان شما نازنینان، تابیدن آغاز خواهد نمود... نه تنها برای ایرانیانی که در اندرون و بیرون مرزهای ایران کنونی هستند، بلکه برای همه‌ی برادران و خواهران فارسی‌زبان در تاجیکستان، افغانستان و ده‌ها سرزمین دیگر که جمعیت بزرگی از آنها به فارسی سخن می‌گویند و می‌نویسند.

آرمان آرین

مدیر مسئول و سردبیر «ویسپویش»

آغاز تابستان ۱۴۰۳